

بخش آیات

دین و زندگی (۲)

۱

ساختار منظم و ویژه موجودات متناسب با هدف خاص هریک (درس اول)

لغتی، ۳ و ۲

\_\_\_\_\_ الَّتِي خَلَقَ فَسَوَّى<sup>۱</sup> هَمَان (خدایی) که آفرید، سپس آراست (۲)  
 \_\_\_\_\_ وَ الَّتِي قَدَّرَ<sup>۲</sup> فَهَدَى<sup>۳</sup> و آن‌که اندازه‌گیری (تقدیر) کرد، سپس هدایت نمود. (۳)

بیله

- ۱ خداوند، موجودات را آفریده و آن‌ها را به گونه‌های منظم سامان‌دهی کرده است. هر موجودی، سامان‌دهی خاص خود را دارد.
  - ۲ خداوند، به هریک از موجودات جهان، ساختمان وجودی ویژه‌ای بخشیده و هر موجودی تقدیر و ویژگی‌های خاص و معینی دارد.
  - ۳ پس از سامان‌دهی و تقدیر موجودات، خداوند آن‌ها را در راه رسیدن به هدف و غایت خاصشان، هدایت کرده است؛ از این‌رو، هدایت موجودات متناسب با سامان‌دهی و تقدیر خاص آن‌هاست.
- مفهوم کلی:** هریک از موجودات جهان، دارای ساختار منظم و ویژه خود است. هر موجودی به گونه‌ای ساخته شده که هدف خاصی را دنبال می‌کند.
- ارتباط با آیه:** آیات «صنع الله الذي اتقن كل شيء» و «انما كل شيء خلقناه بقدر» نیز به «ساختار منظم و ویژه موجودات جهان» اشاره می‌کنند.
- ارتباط با درس دیگر:**

- (درس ۱- سوم) این آیه بیانگر هدایت خاصه‌ی موجودات؛ یعنی هدایت متناسب با ویژگی‌ها و خصوصیات آن‌ها می‌باشد. همچنین بیانگر هدایت تکوینی موجودات؛ یعنی هدایت آن‌ها از طریق ابزارها و ویژگی‌هایی که در آفرینش آن‌ها قرار داده شده است، می‌باشد.
- (درس ۲ و ۵- پیش‌دانشگاهی) خَلَقَ: توحید در خالقیت و قضای الهی - قَدَّرَ: تقدیر الهی - هَدَى: توحید در ربوبیت

۲

ویژگی‌های خردمندان و درک عدم بیهودگی در نظام آفرینش، نتیجه‌ی تفکر در آن (درس اول)

ال عمران، ۱۹۰ و ۱۹۱

\_\_\_\_\_ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 \_\_\_\_\_ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
 \_\_\_\_\_ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ<sup>۱</sup> همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین  
 \_\_\_\_\_ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ<sup>۲</sup> و آمدوشد شب و روز  
 \_\_\_\_\_ قِيَاماً وَقُعُوداً وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ<sup>۲</sup> نشانه‌هایی برای خردمندان است (۱۹۰)  
 \_\_\_\_\_ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>۳</sup> کسانی که خدا را یاد می‌کنند  
 \_\_\_\_\_ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا<sup>۴</sup> ایستاده و نشسته و در حالی که بر پهلو آرمیده‌اند  
 \_\_\_\_\_ سُبْحَانَكَ<sup>۵</sup> و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند  
 \_\_\_\_\_ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ<sup>۵</sup> (و می‌گویند): پروردگارا! این (ها) را بیهوده نیافریدی  
 \_\_\_\_\_ پس ما را از عذاب آتش نگاهدار. (۱۹۱)

بیله

- ۱ پدیده‌های جهان خلقت، مانند آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدوشد شب و روز، برای خردمندان و اهل تعقل آیه و نشانه‌ی حکمت خداوند است.
- ۲ کسی می‌تواند حقیقت جهان را به‌درستی دریابد که اهل تعقل و خردورزی باشد.
- ۳ ویژگی‌های اولی‌الالباب: نخستین ویژگی آن‌ها، در همه حال به یاد خدا بودن است.
- ۴ دومین ویژگی اولی‌الالباب، تفکر و تعقل در نظام آفرینش است.

۴ مخلوقات، **بیهوده** و **بی‌هدف** نیستند: نفی فقدان هدف‌مندی برای نظام آفرینش. جهان غایت‌مند نشانه‌ی خالق حکیم و مدبر آن است. اگر شاخصه‌ی هدف‌مندی در کار نباشد، تمام فعالیت‌های یک مجموعه «عبث»، «بیهوده» و در یک کلام «باطل» می‌شود و این امر از نظام آفرینش نفی شده است.

نتیجه‌ی تفکر انسان‌های صاحب خرد در نظام آفرینش، این است که **بیهودگی** و **عبث بودن در موجودات جهان راه ندارد**. شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌های بزرگ و کوچک جهان که آن‌ها را به یک نظام تبدیل می‌کند و در همه‌ی اجزا و فعالیت‌های آن مجموعه حضور دارد و به آن‌ها معنا می‌بخشد، **هدف** و **غایت** است. بدون هدف، پیوستگی، ارتباط و هماهنگی معنا ندارد و اساساً مجموعه‌ی دارای نظام شکل نمی‌گیرد. همکاری، پیوستگی و نظام، همواره برای آن است که به هدف معینی منجر شود و به سرانجام روشنی برسد. اگر شاخصه‌ی هدف‌مندی در کار نباشد، تمام فعالیت‌های یک مجموعه «عبث»، «بیهوده» و در یک کلام «باطل» می‌شود و این امر از نظام آفرینش نفی شده است.

۵ انسان‌های صاحب خرد، پس از هدف‌مند یافتن جهان هستی، ذات باری تعالی را **تتزیه** می‌کنند: منزّه دانستن خدا از هر عیب، از جمله فعل عبث و خلق بی‌هدف موجودات.

۶ از آن‌جا که آفرینش مخلوقات از جمله انسان، بیهوده نیست، هرچه از هدف الهی دور شویم، به دوزخ نزدیک‌تر می‌شویم. از این‌رو خردمندان، پس از تتزیه خداوند، دعا می‌کنند و از او درخواست محافظت از عذاب دوزخ را می‌کنند. **ارتباط با شعر:** آیه‌ی «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِلْقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» با مفهوم ضرورت خردمندی در آیات و نشانه‌های جهان برای شناخت جایگاه خود در جهان، با بیت «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار» ارتباط مفهومی دارد.

**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۲ و ۳ - پیش‌دانشگاهی) ربّنا: توحید در ربوبیت - یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم: توحید در عبادت - سبحانک: توحید در عبادت

## ۳

## اتقان صنع: خلقت محکم و استوار نظام آفرینش (درس اول)

نمل ۸۸

و کوه‌ها را می‌بینی	و تَرَى الْجِبَالَ
تو آن‌ها را ساکن می‌پنداری	تَحْسِبُهَا جَامِدَةً
در حالی که هم‌چون ابرها در حرکتند	و هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ <sup>۱</sup>
ساخته‌ی آن خدایی است که	صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي
هر چیزی را استوار ساخته است	أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ <sup>۲</sup>
همانا او بدان چه انجام می‌دهید، آگاه است.	إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ <sup>۳</sup>

## بسم

۱ قرآن کریم از حرکت کوه‌ها سخن می‌گوید که مانند ابرها در حرکت‌اند. این امر نمونه‌ای از نظم و قانون‌مندی جهان است.

۲ **اتقان صنع:** خداوند، جهان خلقت را که صنع اوست، چنان **مستحکم و دقیق** آفریده که هیچ بی‌نظمی در آن مشاهده نمی‌شود و به دقت به‌سوی هدف تعیین شده پیش می‌رود. معنای **اتقان صنع** این است که کسی مجموعه‌ای را به‌طوری نظم و ترتیب و سامان دهد که به بهترین وجه به هدف برسد. به همین جهت می‌گوییم هریک از موجودات جهان، دارای **ساختار منظم و ویژه**ی خود است و خداوند همه چیز را در **کمال استواری** پدید آورده است.

۳ روابط مستحکم و نظم استوار جهان، نشانه‌ی تدبیر حکیمانه‌ی خالق آگاه، خبیر و حکیم است. **ارتباط با آیه:** آیات «الَّذِي خَلَقَ فَسْوَىٰ \* وَ الَّذِي قَدَّرَ الْفَهْدِي» و «أَنَا كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَنَا بِقَدْرٍ» نیز به «ساختار منظم و ویژه موجودات جهان» اشاره می‌کنند.

**ارتباط با حدیث:** حضرت علی (ع) در خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه درباره‌ی اتقان صنع فرمودند: «... و در آفرینش آن‌ها طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرونپاشند.»

**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۳ - سوم) خبر دادن قرآن از حرکت کوه‌ها و تشبیه حرکت کوه‌ها به حرکت ابرها، بیانگر «ذکر نکات علمی بی‌سابقه» از نشانه‌های محتوایی اعجاز قرآن کریم است.

## آفرینش موجودات بر اساس ساختار منظم و ویژه هرکدام (درس اول)

قرن ۴۹

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ  
همانا ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.

هریک از موجودات جهان دارای ساختار منظم و ویژه خود است. از عبارت «قدر» برداشت می‌شود که همه‌ی مخلوقات خداوند با تقدیر و اندازه‌گیری دقیق خلق شده‌اند؛ این امر بیانگر وجود نظم و قانون‌مندی در همه‌ی مخلوقات خداوند است. **ارتباط با آیه:** آیات «الذی خلق فسوٰی \* و الذی قدر فهدی» و «صنع الله الذی اتقن کل شیء» نیز به «ساختار منظم و ویژه‌ی موجودات جهان» اشاره می‌کنند.

**ارتباط با حدیث:** حضرت علی (ع) در خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه فرمودند: «خداى متعال همه‌ی مخلوقات را بر اساس مقیاس، نظم مشخص، اندازه‌های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات آفرید.» این سخن با آیه‌ی فوق ارتباط مفهومی دارد.

**ارتباط با درس دیگر:**

- (درس ۲- پیش‌دانشگاهی) «انّا کل شیء خلقناه»: توحید در خالقیت
- (درس ۵- پیش‌دانشگاهی) این آیه در درس ۵ نیز آمده، با توجه به این آیه می‌گوییم: همه‌ی اشیاء جهان، دارای خصوصیات و ویژگی معین هستند. خلقناه: قضای الهی - قدر: تقدیر

## هدفداری نظام آفرینش (درس اول)

عنکوت ۴۴

خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید  
خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۱  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۲  
به راستی که در این برای مؤمنان نشانه‌ای است.

- ۱ نظام آفرینش، دارای هدف معین است. جهان غایت‌مند، نشانه‌ی خالق حکیم و مدبر آن است. وقتی به روابط مستحکم و نظم استوار جهان می‌نگریم، درمی‌یابیم که جهان بر حق و درستی استوار است. اگر شاخصه‌ی هدف‌مندی در کار باشد، مجموعه‌ی فعالیت‌های جهان، «ثمربخش»، «هدف‌مند» و در یک کلام «حق» می‌گردد.
- ۲ جهان غایت‌مند، آیه و نشانه‌ی حکمت خداوند برای مؤمنان است. جهان‌شناسی، مقدمه‌ی خدانشناسی است.

**ارتباط با آیه:** آیه‌ی «ربنا ما خلقت هذا باطلاً» نیز به هدفداری نظام آفرینش اشاره دارد.

**ارتباط با درس دیگر:**

- (درس ۶- دوم) خلق الله السماوات و الارض بالحق: ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی
- (درس ۲- پیش‌دانشگاهی) خلق: توحید در خالقیت

## سرآمد معین داشتن جهان: علت هدف‌مندی نظام آفرینش (درس دوم)

احقاف ۳

ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ۱  
وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۲  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
عَمَّا أَنْذَرُوا مُّعْرِضُونَ ۳  
ما آسمان‌ها و زمین را نیافریدیم  
و آن‌چه را میان آن دوست، جز به حق  
و سرآمدی معین و نامبرده شده  
و کسانی که کافر شدند  
از آن‌چه انذار شدند، روی‌گردانند.

## بیمه

- ۱ تمام مخلوقات این جهان به حق آفریده شده‌اند و دارای هدف معین می‌باشند: حکیمانه بودن خلقت.
- ۲ جهان دارای سرآمد معین و آینده‌ی روشن است و به این علت جهان خلقت حق است.
- ۳ کافران نسبت به این حقیقت که جهان بر پایه‌ی حق بنا شده و دارای سرآمد معین و آینده‌ی روشن است، بی‌توجه و از آن روی‌گردانند. از این رو یکی از مصادیق کفر، انکار هدف‌مندی و حکیمانه بودن نظام آفرینش است.

## ارتباط با درس دیگر:

- (درس ۵- دوم) این آیه بیانگر دیدگاه پیامبران الهی نسبت به مرگ است.
- (درس ۶- دوم) ما خلقنا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا آلَا بِالْحَقِّ: ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی

## ۷

## تسبیح (تنزیه) و ستایش همگانی موجودات در نظام واحد جهانی (درس دوم)

## نقش ۱

خدا را تسبیح می‌گویند	يُسَبِّحُ لِلَّهِ
آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است	مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ <sup>۱</sup>
پادشاهی از آن او و ستایش برای اوست	لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ
و او بر همه چیز تواناست.	وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ <sup>۲</sup>

## بیمه

- ۱ جهان خلقت، مجموعه‌ای یکپارچه و هماهنگ است که همگی با خالق خود در ارتباط‌اند و او را به صورت تکوینی تسبیح می‌گویند و او را از هر عیب و نقصی تنزیه می‌کنند: تسبیح و تحمید همگانی موجودات.
- ۲ مالکیت و ستایش مخصوص خداست و او بر همه چیز تواناست و به همین علت، همه‌ی مخلوقات، در این نظام واحد و به هم پیوسته او را تسبیح و تنزیه می‌گویند.

ارتباط با درس دیگر: (درس ۳- پیش‌دانشگاهی) یَسْبُحُ: توحید در عبادت - له الحمد: توحید در عبادت

## ۸

## خلقت نظام آفرینش به بهترین شکل و حرکت تکاملی آن به سوی خداوند (درس دوم)

## نقش ۳

آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید	خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ <sup>۱</sup>
و شما را صورت‌گری کرد و صورت‌های شما را نیکو آراست	وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ <sup>۲</sup>
و بازگشت (همه) به سوی اوست.	وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ <sup>۳</sup>

## بیمه

- ۱ خداوند جهان خلقت را به حق آفریده و این بدان معناست که نظام آفرینش، هدف‌مند و حکیمانه است.
- ۲ هریک از مخلوقات در بهترین شکل و ترکیب خلق شده‌اند و آن چه را که نیازمند رساندن آن‌ها به هدف بوده، خداوند در خلقتشان قرار داده است. انسان در مقایسه با دیگر موجودات، برتر و کامل‌تر است. این عبارت، بیانگر صورت‌بندی نیکو برای وجود انسان و ساختمان خوب و متوازن اوست (سرشت متعالی انسان).
- ۳ کاروان هستی همان‌طور که از خداست، رو به سوی خدا نیز دارد (ماهیت از اویی و به سوی اویی جهان خلقت). غایت و مقصد عالی جهان، خداست.

ارتباط با آیه: عبارت «الیه المصیر» با عبارت «الیه یرجعون» ارتباط مفهومی دارد و هر دو به بازگشت موجودات به سوی خدا که هدف خلقت است، اشاره دارند.

ارتباط با شعر: این آیه با بیت «ما ز بالاییم و بالا می‌روییم / ما ز دریاییم و دریا می‌رویم» ارتباط مفهومی دارد.

## موجودات تحت قانون مندی واحد الهی (درس دوم)

ال عمران: ۸۳

آیا آن‌ها غیر از دین خدا را می‌جویند؟	أَفَعَيِّرُ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ <sup>۱</sup>
حال آن‌که به فرمان اوست	وَلَهُ اسْلَمَ
هرکه در آسمان‌ها و زمین است	مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
خواه ناخواه	طَوْعًا وَكَرْهًا <sup>۲</sup>
و (همه) به سوی او بازگردانده می‌شوند.	وَالِيهِ يُرْجَعُونَ <sup>۳</sup>

بیم

- ۱ درخواست دینی غیر از دین خدا مورد نهی قرار گرفته و دین‌طلبی از راه غیر الهی مردود دانسته شده است.
  - ۲ خداوند کسانی را که راهی غیر از راه خدا را می‌جویند، به دو امر توجه می‌دهد: الف) تسلیم بودن و اطاعت خواه ناخواهی (از روی اختیار یا اجبار) همه‌ی موجودات در برابر فرمان خدا. بنابراین همان‌طور که تمام هستی تسلیم خداست، انسان نیز باید تسلیم او باشد. بدین ترتیب همه‌ی موجودات با خالق خویش در ارتباطند (ارتباط طولی) و نظام واحد جهانی را رقم می‌زنند.
  - ۳ ب) کاروان هستی همان‌طور که از خداست، رو به سوی خدا نیز دارد: سیر تکاملی جهان خلقت و حرکت آن به سوی هدف معین (خداوند). فعالیت مجموعه‌ی نظام‌های به هم پیوسته، یعنی نظام واحد جهانی، یک هدف بزرگ را دنبال می‌کند و آن سیر الی الله یعنی حرکت تکاملی خلقت است.
- مفهوم کلی:** همه‌ی مخلوقات عالم، تحت قانون مندی واحد الهی عمل می‌کنند و به سوی خداوند که مقصد نهایی جهان خلقت است، روان می‌باشند؛ یعنی حرکتی رو به رشد و رو به تکامل دارند.
- ارتباط با آیه:** عبارت «الیه يرجعون» با عبارت «الیه المصیر» ارتباط مفهومی دارد و هر دو به بازگشت موجودات به سوی خدا که هدف خلقت است، اشاره دارند.
- ارتباط با شعر:** این آیه با بیت «ما ز بالاییم و بالا می‌رویم / ما ز دریاییم و دریا می‌رویم» ارتباط مفهومی دارد.

۱۰

## انسجام درونی و هماهنگی خلل‌ناپذیر در نظام واحد جهانی (درس دوم)

ملک: ۳

در آفرینش خدای رحمان نمی‌بینی	ما تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ
هیچ بی‌نظمی	مِنْ تَفَاوُتٍ <sup>۱</sup>
پس بار دیگر دیده بگردان	فَازْجِعِ الْبَصَرَ <sup>۲</sup>
آیا هیچ شکافی می‌بینی؟	هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ <sup>۳</sup>

بیم

- ۱ منظور از نبودن «تفاوت» و بی‌نظمی در جهان این است که اشیای جهان، اشیایی پراکنده و بی‌ربط با یکدیگر نیستند، بلکه همه‌ی اجزای عالم به هم متصل و مربوطاند و به یکدیگر کمک می‌کنند تا به هدفی که برای آن خلق شده‌اند، برسند: انسجام و پیوستگی موجودات در نظام واحد جهانی.
  - ۲ اگر کسی به دقت بنگرد و از نگاه ساده به جهان عبور کند و عمیق‌تر نگاه کند، درمی‌یابد که هیچ خلل و بی‌نظمی در عالم نیست و آن‌چه به ظاهر بی‌نظمی است، در یک نگاه دقیق، نشانه‌ی نظم خلقت است.
  - ۳ منظور از نبودن «فطور» این است که در آفرینش خداوند، هیچ خلل و شکافی وجود ندارد و این نشان از وجود پدیدآورنده‌ی مدبر و حکیم برای آن است.
- مفهوم کلی:** هر یک از مخلوقات و مجموعه‌ی آن‌ها که نظام واحد جهانی را تشکیل می‌دهند، دارای انسجام کامل و پیوستگی دقیق برای رسیدن به هدف می‌باشند.

## حکیمانه بودن خلقت (درس دوم)

روم، ۲۲

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَأَخْتِلَافَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَوَسْمِ الْوَسْمِ الْأَسْمَانِ  
وَأَخْتِلَافَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَخْتِلَافَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَخْتِلَافَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

**۱** آفرینش آسمان‌ها و زمین (نظام آفرینش) و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های انسان‌ها از نشانه‌های حکمت الهی است؛ زیرا یکسان بودن همه‌ی انسان‌ها با نوآوری و بدیع بودن خلقت خداوند سازگار نیست و این امر هدفمند بوده است.

**۲** خلقت خداوند، آیه و نشانه‌ای برای دانایان و عالمان است. این‌که مخلوقات الهی، آیه و نشانه‌ی حکمت و تدبیر خالق آن‌ها باشد، نیازمند تفکر و معرفت در آن است.

**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۱- پیش‌دانشگاهی) چون خداوند نور هستی است، یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

## حکیمانه بودن خلقت (درس دوم)

روم، ۲۳

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

**۱** استراحت شبانه‌گاهی و خواب انسان در شب و روز و روزی طلبی انسان‌ها از بخشش خداوند، از نشانه‌های حکمت الهی است. خواب انسان یکی از نعمت‌های الهی می‌باشد که مقدمه‌ای برای تلاش انسان جهت کسب فضل الهی است که در زمین گسترده شده است.

**۲** خواب انسان و تلاش و کوشش او، آیه و نشانه‌ی حکمت خداوند است برای کسانی که حقیقت‌طلب‌اند و گوش شنوا دارند.

**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۱- پیش‌دانشگاهی) چون خداوند نور هستی است، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

## حکیمانه بودن خلقت (درس دوم)

روم، ۲۴

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَأَبَاةٍ وَمَنَامٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

بینم

- ۱ از نشانه‌های حکیمانه بودن خلقت خداوند، برق آسمان است که هم موجب ترس است و هم امیدی برای نزول باران.
- ۲ یکی دیگر از نشانه‌های حکمت الهی در نظام آفرینش، نزول باران و زنده شدن زمین پس از مردنش می‌باشد.
- ۳ برق آسمان و نزول باران، آیه و نشانه‌ی خالق حکیم و مدبر آن است، برای کسانی که اهل تعقل و تفکرند. این‌که همه چیز را در نظام آفرینش، آیه‌ی حکمت الهی ببینیم، نیازمند تفکر و تعقل در آن است.
- ارتباط با درس دیگر:** (درس ۱- پیش‌دانشگاهی) چون خداوند نور هستی است، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

۱۴

## حکیمانه بودن خلقت (درس دوم)

روم، ۲۵

و از نشانه‌های او این است	_____ وَ مِنْ آيَاتِهِ
که آسمان و زمین به فرمان او برپاست	_____ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ <sup>۱</sup>
سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند	_____ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ
ناگهان (همه) خارج می‌شوید.	_____ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ <sup>۲</sup>

بینم

- ۱ استواری نظام آفرینش به اراده‌ی الهی، از نشانه‌های حکمت و تدبیر خالق آن است.
- ۲ یکی دیگر از نشانه‌های حکیمانه بودن خلقت، خارج شدن انسان‌ها از قبرها با فرمان خداوند در روز قیامت است. وجود معاد و بازگشت به خدا، نشانه‌ای بر حکمت الهی و هدفداری آفرینش انسان است. خدایی که نظام هستی را برپا کرده، انسان را نیز پس از مرگ زنده می‌کند.
- ارتباط با درس دیگر:**

- (درس ۸- دوم) اذا انتم تخرجون: زنده شدن انسان‌ها پس از نفخ صور دوم و معاد جسمانی
- (درس ۱- پیش‌دانشگاهی) برپا بودن جهان به امر خدا از نشانه‌های خداست؛ یعنی اگر خداوند اراده فرماید، آسمان و زمین را نابود خواهد کرد.
- (درس ۵- پیش‌دانشگاهی) تقوم السماء و الارض بامر: قضای الهی که برخاسته از اراده‌ی خداوند است.

۱۵

## حکیمانه بودن خلقت (درس دوم)

شوری، ۲۹

و از نشانه‌های اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین	_____ وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ
و آن‌چه از جنبندگان در آن دو پراکنده است	_____ وَ مَا يَبْتَ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ <sup>۱</sup>
و او هرگاه بخواهد بر جمع کردن آن‌ها تواناست.	_____ وَ هُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءَ قَدِيرٌ <sup>۲</sup>

بینم

- ۱ آفرینش آسمان‌ها و زمین و پراکندگی جنبندگان در آن دو (گسترده سفره‌ی خلقت)، نشانه‌ی غایت‌مندی و حکیمانه بودن نظام آفرینش است.
- ۲ یکی دیگر از نشانه‌های حکمت الهی، جمع کردن و گردآوری موجودات با اراده و مشیت خداوند است. همان‌طور که آفرینش نخستین موجودات توسط خدا صورت گرفته، برپایی قیامت نیز با اراده‌ی او انجام می‌شود. برپایی قیامت، نشانه‌ی غایت‌مندی خلقت است.

## کرامت انسان و برتری او بر سایر موجودات (درس سوم)

سوره: ۷۰

همانا ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم	وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ <sup>۱</sup>
و آن‌ها را در خشکی و دریا برنشانیدیم	وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم	وَوَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ <sup>۲</sup>
و بر بسیاری از آفریدگان خویش	وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ
برتری کاملشان بخشیدیم.	مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا <sup>۳</sup>

بینه

**۱** این آیه، مربوط به جایگاه انسان در نظام خلقت و تفاوت او با سایر موجودات است. خداوند به ما کرامت بخشیده (کرامت ذاتی انسان). هر قدر انسان خود را بیش تر بشناسد، جایگاه خویش را در نظام آفرینش بهتر خواهد شناخت. به همین جهت تکريم انسان بر بسیاری از مخلوقات در گرو **خویشتن‌شناسی** است.

**۲** خداوند، آن‌چه را که در آسمان‌ها و زمین است، برای ما آفریده و توانایی بهره‌مندی از آن‌ها را در وجود ما قرار داده است. حمل در خشکی و دریا که اشاره به مسخر بودن نعمت‌های الهی برای انسان دارد و روزی دادن به انسان از نعمت‌های پاکیزه و حلال، نشانگر منزلت و جایگاه انسان در نظام خلقت است.

**۳** خداوند، ما را بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است و انسان باید خود، این برتری را فعلیت بخشد. این عبارت، به معنای **حفظ اختیاری منزلت انسان** است.

## ارتباط با درس دیگر:

- (درس ۴- دوم) کرامت و برتری انسان بر سایر مخلوقات، نتیجه‌ی برخورداري او از روح یا بعد معنوی است.
- (درس ۱۳- سوم) با توجه به این آیه، خداوند به انسان کرامت داده و یکی از راه‌های اصلی حفظ کرامت، کسب عزت نفس است.
- (درس ۱۴- سوم) کرامت انسان اختصاص به زن یا مرد، به تنهایی، ندارد و این امر بیانگر یکسانی مقام و منزلت انسانی زن و مرد است.

## فطرت خداشنا و خداگرا (درس سوم)

روم: ۳۰

پس روی خود را حق‌گرایانه	فَأَقِمْ وَجْهَكَ
به سوی دین الهی نگاه‌دار	لِلدِّينِ حَنِيفًا <sup>۱</sup>
همان سرشت خدایی که	فُطِرَتَ اللَّهُ الَّتِي
همه‌ی مردم را بر آن سرشته است.	فُطِرَ النَّاسَ عَلَيْهَا <sup>۲</sup>

بینه

**۱** خداوند انسان را به روی آوردن به دین الهی که از هرگونه شرک خالی است و حق‌گراست، امر می‌کند.

**۲** **دین الهی یا فطرت خداگرای یکی است.** خداوند دین خود را بر پایه‌ی فطرت الهی انسان تنظیم کرده است؛ یعنی دین که برنامه‌ی زندگی است، برنامه‌ای است منطبق با ویژگی‌های خلقتی انسان. خداوند دین را فرستاده تا انسان‌ها با عمل به آن، استعدادهای فطری خود را شکوفا کنند و به کمال رسانند. سعادت و رستگاری انسان در گرو شکوفایی همین استعدادهاست. به همین جهت اولاً حرکت در مسیر دین، حرکت در مسیر فطرت است؛ زیرا تکوین (فطرت) و تشریح (دین) با یک‌دیگر هماهنگ‌اند و ثانیاً انسان فطرتاً حق‌گرا و جویای دین الهی است.



**مفهوم کلی:** خداوند، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که گرایش به همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، در ما قرار داد. از این‌رو، هرکس در خود می‌نگرد یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد و محبتش را در دل حس می‌کند.

**ارتباط با حدیث:** امیرمؤمنان (ع) فرمود: «در هیچ چیزی ننگریستم، مگر این‌که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم.»

**ارتباط با شعر:** ابیات زیر نیز بیانگر فطرت خدا آشنای انسان است:

«دوست نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم

چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من مه‌جورم»

**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۳- پیش‌دانشگاهی) فاقم وجهک للدين حنيفاً: توحيد در عبادت

۱۸

گرایش انسان به خیر و نیکی (درس سوم)

شمس، ۷ و ۸

و نَفْسٍ وَّ مَا سَوَّاهَا<sup>۱</sup> سوگند به نفس و آن‌که سامانش بخشید (۷)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا<sup>۲</sup> آن‌گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد. (۸)

بینم

**۱** خداوند به دو چیز سوگند خورده: نفس انسان و خود که سامانش بخشیده.

**۲** خداوند، پس از سامان بخشیدن به نفس انسان، فجور و تقوا را به او الهام کرد؛ یعنی هر انسانی در درون خود می‌یابد که زشتی و گناه چیست و تقوا چه می‌باشد. از این‌رو انسان به‌طور فطری خوبی و بدی را درک می‌کند. نفس انسان، از آن حیث که گناه و تقوا را درک می‌کند، «نفس لؤامه» نام دارد.

**مفهوم کلی:** خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی، بپرهیزیم. از این‌روست که همه‌ی ما فضائی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم.

۱۹

قدرت اختیار و انتخاب (درس سوم)

انسان، ۳

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ<sup>۱</sup> ما راه را به او نشان دادیم

إِنَّمَا شَاكِرًا وَّ إِنَّمَا كَفُورًا<sup>۲</sup> یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس.

بینم

خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم. در مقابل این نعمت، کسانی که پذیرا شوند، شکر این نعمت را به‌جا آورده و آن‌ها که مخالفت کنند، کفران کرده‌اند. شکر یا کفران انسان در برابر هدایت الهی، نشانگر اختیار اوست.

**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۵- پیش‌دانشگاهی) این آیه در درس ۵ پیش‌دانشگاهی جهت تأکید بر قدرت اختیار انسان نیز آمده است.

۲۰

هدایت الهی و امدادهای او (درس سوم)

عنکبوت، ۶۹

و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا<sup>۱</sup> و کسانی که در (راه) ما تلاش و مجاهده کنند

لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا<sup>۲</sup> قطعاً به راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم

وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ<sup>۳</sup> و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است.

پیام

علاوه بر هدایت الهی که برای همه‌ی انسان‌هاست، هرکس در مسیر حق قرار بگیرد و در راه خدا تلاش و جهاد نماید و برای رضایت او استقامت و پایداری کند (علت)، خداوند او را از امدادهای غیبی خود بهره‌مند می‌سازد، در رسیدن به مقصد یاری می‌کند و درهای به ظاهر بسته به روی او باز می‌شود (معلول).

ارتباط با درس دیگر:

- (درس ۴- پیش‌دانشگاهی) این آیه بیانگر «انجام عمل صالح» از راه‌های تقویت اخلاص و بندگی است.
- (درس ۶- پیش‌دانشگاهی) این آیه بیانگر سنت توفیق الهی نیز می‌باشد. یکی از جلوه‌های توفیق الهی، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است.

۲۱

نفس لوامه: سرزنش‌گر درونی انسان به هنگام آلودگی به گناهان (درس سوم)

قیامت ۲

و لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ  
سوگند به نفس ملامت‌کننده

پیام

نفس لوامه که به دلیل عظمت و جایگاهش مورد سوگند خداوند قرار گرفته، سرزنش‌گر درونی و ملامت‌کننده‌ی انسان، به هنگام آلودگی به گناهان است. نفس لوامه، در تقابل با نفس اماره که از موانع رشد است، مطرح می‌شود. گرایش به خیر و نیکی و بیزاری از بدی و زشتی در انسان، سبب (علت) شده که اگر به یکی از گناهان آلوده شدیم، خود را سرزنش و ملامت می‌کنیم و در اندیشه‌ی جبران برمی‌آییم.

۲۲

قدرت عقل و تفکر (درس سوم)

زمر، IV و IA

پس بندگان مرا مزده ده (۱۷)	فَبَشِّرْ عِبَادِ
آنان که سخن را می‌شنوند	الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ
و بهترین آن را پیروی می‌کنند	فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ
آنان همان کسانی‌اند که خداوند هدایتشان کرده	أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ
و آنان همان خردمنداند. (۱۸)	وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ

پیام

۱ در این آیه، اهل عقل و خرد مورد بشارت خداوند قرار گرفته‌اند. ویژگی صاحبان خرد این است که بدون تعصب و توجه به گوینده‌ی سخن، بهترین آن را با عقل و خرد خود برمی‌گزینند و از تقلید ناآگاهانه دوری می‌کنند: آزاد اندیشی و انتخاب بهترین راه، از ویژگی‌های صاحبان خرد.

۲ خداوند، کسانی را که از سخن احسن (که همان دعوت به خداست) پیروی می‌کنند؛ موصوف به دو امر کرده است: ۱- هدایت یافتگان، ۲- صاحبان خرد و عالمان.

**مفهوم کلی:** پروردگار به ما قوه و نیروی عقل عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.

ارتباط با درس دیگر:

- (درس ۱- دوم) در آیه‌ی «أَنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِلْقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» نیز دو ویژگی برای خردمندان بیان شده: ۱- «يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ» ذکر دائمی خدا، ۲- «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»: تفکر در آفرینش.

■ (درس ۱- سوم) در این آیه، اهمیت عقل؛ یعنی حجت باطنی مورد تأکید قرار گرفته است.

## شیطان: مانع بیرونی رشد و نقش او در گمراهی انسان (درس سوم)

بقره، ۱۶۸ و ۱۶۹

ای مردم	یا أَيُّهَا النَّاسُ <sup>۱</sup>
از آن چه در زمین است، حلال و پاکیزه را بخورید	كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا <sup>۲</sup>
و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید	وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
به درستی که او دشمنی آشکار برای شماست (۱۶۸)	إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ <sup>۳</sup>
او شما را فقط به بدی و کار زشت فرمان می‌دهد	إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسَّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ
و این که درباره‌ی خدا آن چه را نمی‌دانید، بگویید. (۱۶۹)	وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ <sup>۴</sup>

پیام

- ۱ مخاطب این آیه، همه‌ی انسان‌ها هستند.
- ۲ خداوند، انسان‌ها را به دو چیز سفارش نموده است: الف) بهره بردن از نعمت‌های الهی، شرط اصلی در بهره بردن از این نعمت‌ها، حلال و پاکیزه بودن است؛ و **جوب حلال و طیب خواری**. روزی‌های پاک خداوند باید وسیله‌ای برای اطاعت و بندگی او باشد نه اطاعت شیطان. به همین جهت **حرام خواری علت پیروی از وسوسه‌های شیطان معرفی شده است**.
- ۳ ب) **عدم پیروی از شیطان** (حرمت همگامی با شیطان)؛ زیرا شیطان، دشمن آشکار انسان است، خود را برتر از آدمیان می‌پندارد و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت بازدارد. البته کار او وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و این خود ما هستیم که به او اجازه‌ی وسوسه می‌دهیم. وسوسه‌های شیطان به عنوان یک مانع رشد، در مقابل تعلیمات انبیاء و اولیای خدا و امدادهای الهی است.
- ۴ بر اساس این آیه، کار شیطان امر به سه چیز است که نشانه‌ی دشمنی شیطان، نسبت به انسان است: الف) بدی، ب) فحشاء، ج) نسبت دروغ به خدا دادن. با توجه به عبارت «أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»، حتی در مقام شک و تردید نباید به خداوند چیزی را نسبت داد، چه رسد به مواردی که درباره‌ی خدا چیزی را نمی‌دانیم و ناآگاهانه سخن بگوییم.

۲۴

## نفس اماره، مانع درونی رشد (درس سوم)

قره، ۱۶

همانا ما انسان را آفریدیم	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ
و به آن چه نفس او وسوسه می‌کند، آگاهیم	و نَعْلَمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ <sup>۱</sup>
و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم.	و نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ <sup>۲</sup>

پیام

- ۱ **عاملی درونی** که انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان بازمی‌دارد، **نفس اماره** است. در این آیه، خداوند می‌فرماید که **وسوسه‌های نفس اماره‌ی انسان، معلوم ذات باری تعالی است: اعلام سلطه‌ی علمی خداوند بر انسان**.
- ۲ علت علم و احاطه‌ی خداوند به انسان و نفس او دو چیز است: الف) خداوند، آفریدگار و خالق اوست. ب) **قرب وجودی خداوند به انسان**.
- ارتباط با آیه:** «و ما بریء نفسی ان النفس لامارة بالسوء» نیز به نفس اماره اشاره دارد.
- ارتباط با حدیث:** حضرت علی (ع) می‌فرماید: «دشمن‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.»

**ارتباط با شعر:** عبارت «نحن اقرب الیه من حبل الورد» با بیت «دوست نزدیکتر از من به من است / وین عجبتر که من از وی دورم» ارتباط معنایی دارد و هر دو قرب خداوند به انسان را بیان می‌کنند.  
ابیات زیر نیز بیانگر نفس اماره‌ی انسان است:

«نفس، هر دم در درونت در کمین از همه مردم بتر در مکر و کین  
دشمنی داری چنین در سرّ خویش مانع عقل است و خصم جان و کیش»

**ارتباط با درس دیگر:**

- (درس ۱۶- دوم) آیه‌ی «و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب» نیز قرب خداوند به انسان را بیان می‌کند.
- (درس ۲ و ۵- پیش‌دانشگاهی) لقد خلقنا الانسان: توحید در خالقیت و قضای الهی

## ۲۵

## نقش نفس اماره‌ی به بدی در دعوت به گناه (درس سوم)

یوسف، ۵۳

و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم	و مَا أُبْرِئُ نَفْسِي <sup>۱</sup>
چرا که نفس (آدمی) بسیار به بدی فرمان می‌دهد	إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ <sup>۲</sup>
مگر آن‌که پروردگارم رحمت آورد	إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي <sup>۳</sup>
همانا پروردگارم آمرزنده‌ی مهربان است.	إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

## بیان

۱ حضرت یوسف (ع)، نفس خود را تبرئه نمی‌کند؛ چرا که همه‌ی انسان‌ها، حتی پیامبران نیز در معرض وسوسه‌های این نفس قرار دارند.

۲ اصطلاح «نفس اماره» از این آیه گرفته شده است. در این آیه، حضرت یوسف (ع) با فروتنی و تواضع از نفس انسان خبر می‌دهد. نفسی که فرمان‌دهنده و دعوت‌کننده‌ی به بدی است. از این رو آن را «نفس اماره‌ی به بدی» نام داده‌اند. نفس اماره در مقابل نفس لوامه قرار دارد.

۳ در لحظات قرار گرفتن بر سر دوراهی پاکی و گناه، رحمت الهی مایه‌ی نجات انسان است. طبق این عبارت، عدم پیروی حضرت یوسف (ع) از وسوسه‌های نفس اماره، معلول لطف و رحمت خداوند است.

**ارتباط با آیه:** آیه‌ی «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه» نیز به نفس اماره اشاره دارد.

**ارتباط با حدیث:** حضرت علی (ع) می‌فرماید: «دشمن‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.»

**ارتباط با شعر:** ابیات زیر نیز بیانگر نفس اماره‌ی انسان است:

«نفس، هر دم در درونت در کمین از همه مردم بتر در مکر و کین  
دشمنی داری چنین در سرّ خویش مانع عقل است و خصم جان و کیش»

## ۲۶

## مانع نبودن شیطان در اختیار و تصمیم‌گیری انسان (درس سوم)

در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده، شیطان به اهل جهنم می‌گوید: «خداوند، به شما وعده‌ی حق داد، اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم<sup>۱</sup>، فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید.<sup>۲</sup> امروز خود را سرزنش کنید نه مرا.<sup>۳</sup> نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.» (ابراهیم، ۲۲)

بینم

- ۱ کار شیطان وسوسه کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز از همین طریق، راه نفوذ دیگری در ما ندارد.
- ۲ این عبارت بیانگر عدم تسلط شیطان بر انسان است و این‌که شیطان، مانع اختیار و اراده‌ی ما در تصمیم‌گیری‌ها نمی‌شود. به همین علت، شیطان در ادامه به انسان می‌گوید که امروز خود را سرزنش کنید نه مرا.
- ۳ پذیرش دعوت شیطان از سوی انسان، نشان‌دهنده‌ی اختیار انسان در محدوده‌ی حیات دنیایی اوست و این‌که او، خود مسئول اعمال خویش است.
- ۴ سرزنش، یکی از نشانه‌های اختیار انسان است که در قیامت، شیطان نیز به انسان متذکر می‌شود و انسان نمی‌تواند گناه خود را به گردن شیطان بیندازد.
- ۵ در قیامت جز عمل نیک انسان، چیز دیگری مایه‌ی نجات او نیست.

۲۷

## جایگاه انسان‌های پاک و پرهیزکار (درس سوم)

قرن ۵۴ و ۵۵

- \_\_\_\_\_ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ ۱  
همانا پرهیزکاران در باغ‌ها و (کنار) نه‌رها (۵۴)
- \_\_\_\_\_ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ۲  
در جایگاه حق، نزد فرمانروایی با اقتدارند. (۵۵)

بینم

- ۱ اگر انسان اهل تقوا باشد، در میان باغ‌ها و نه‌رهایی که نزد خدای بزرگ و مقتدر است، زندگی خواهد کرد.
  - ۲ بالاترین جایگاه، مقام قرب وجودی (جایگاه حق و صدق که بیهودگی در آن راه ندارد) به خداوندی است که هم فرمانروا است و هم بر همه چیز توانا.
- ارتباط با درس دیگر:** (درس ۷- پیش‌دانشگاهی) بر اساس این آیه، خدایی شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.

۲۸

## دو بعدی بودن وجود انسان و تمایز او از سایر موجودات به‌دلیل ویژگی‌های بعد روحانی (درس چهارم)

ص ۷۱ و ۷۲

- \_\_\_\_\_ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ  
آن‌گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت:
- \_\_\_\_\_ اِنِّیْ خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِیْنٍ ۱  
من بشری از گِل خلق خواهم کرد (۷۱)
- \_\_\_\_\_ فَاِذَا سَوَّيْتَهُ  
چون او را بیاراستم
- \_\_\_\_\_ وَ نَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُّوحِیْ  
و از روح خود در او دمیدم
- \_\_\_\_\_ فَسَّجُدُوْا لَهٗ سٰجِدِيْنَ ۲  
پس برای او به سجده درآیید. (۷۲)

بینم

- ۱ در این دو آیه، فرشتگان مورد خطاب خداوند قرار گرفته‌اند. با توجه به این آیات، انسان دارای دو بعد روحی و جسمی است. ابتدا بعد جسمانی تشکیل می‌شود و سپس روح در آن دمیده می‌گردد (تقدم خلقت بعد مادی بر آفرینش بعد غیرمادی انسان). زیرا در این آیه، ابتدا خلقت جسم بیان شده و سپس با استفاده از کلمه‌ی «ف» دمیدن روح در بدن را اعلام می‌کند.
- ۲ سجده‌ی فرشتگان برای انسان به خاطر (به تبع و یا معلول) همان بعد روحانی اوست. به همین جهت می‌گوییم منشأ ویژگی‌های انسان که او را از سایر موجودات جدا می‌کند و حرکت او به‌سوی کمال را متمایز می‌سازد، مربوط به همین بعد روحانی اوست.

## دو بعدی بودن وجود انسان و خلقت متفاوت بعد روحانی از بعد جسمانی (درس چهارم)

مؤمن، E

آن‌گاه نطفه را خون بسته‌ای ساختیم	ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً
و آن خون بسته را پاره گوشتی کردیم	فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً
و آن پاره گوشت را استخوان‌ها گردانیدیم	فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا
و بر آن استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم	فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا
سپس او را به آفرینشی دیگر بازآفریدیم	ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ <sup>۲</sup>
پس بزرگ و بزرگوار است خدا	فَتَبَارَكَ اللَّهُ
که نیکوترین آفرینندگان است.	أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ <sup>۳</sup>

بیام

**۱** انسان دارای دو بعد روحی و جسمی است. در این آیه، خداوند ابتدا مراحل رشد و تکامل بعد جسمانی انسان را بیان می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- نطفه، ۲- خون بسته (علقه)، ۳- گوشت (مضغه)، ۴- استخوان (عظام)، ۵- پوشاندن استخوان‌ها با گوشت (فکسون العظام لحمًا).

**۲** ابتدا بعد جسمانی شکل می‌گیرد و سپس روح در آن دمیده می‌شود؛ زیرا در این آیه ابتدا مراحل پیدایش جسم را بیان می‌کند و سپس با استفاده از کلمه‌ی «ثم» آفرینش روح را اعلام می‌کند.

**بعد روحانی انسان خلقتی متفاوت با بعد جسمانی دارد؛** زیرا خداوند پس از این‌که مراحل تکمیل جسم را بیان می‌کند، می‌فرماید: «سپس او را به آفرینشی دیگر بازآفریدیم.»

**۳** تعظیم ذات باری تعالی و آفرین گفتن خدا بر خود، پس از بیان مراحل خلقت انسان، رشد و تکامل وی و آفرینش روح و خلقت متفاوت آن، انجام شده است. شناخت ابعاد وجودی انسان، مقدمه‌ی شناخت خالق آن‌هاست.

**ارتباط با آیه:** مراحل خلقت بعد جسمانی انسان که در این آیه آمده با عبارت «انی خالق بشرًا من طین» هم‌مفهوم است و عبارت «ثم انشأناه خلقًا آخرًا» با عبارت «و نفخت فیهِ من روحی» هر دو ناظر بر خلقت بعد روحانی انسان‌اند.

**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۳- سوم) بیان مراحل خلقت انسان و تکمیل جسم او، بیانگر «ذکر نکات علمی بی‌سابقه» از جنبه‌های اعجاز محتوایی قرآن است.

## رؤیاهای صادقه از دلایل وجود بعد روحانی ثابت، تجزیه و تحلیل‌ناپذیر (درس چهارم)

یوسف، E

هنگامی که یوسف به پدرش گفت: ای پدرم	إِذْ قَالَ يَوْسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ <sup>۱</sup>
من (در خواب) یازده ستاره را دیدم	إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا
و خورشید و ماه را در برابر خود سجده‌کنان دیدم.	وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ <sup>۲</sup>

بیام

**۱** این رؤیا، مربوط به کودکی حضرت یوسف (ع) است. ایشان این خواب را برای حضرت یعقوب (ع) نقل کرد و ایشان آن را تعبیر نمود و فرمود که خوابت را برای برادرانت نقل نکن.

**۲** حضرت یوسف (ع) در خواب دید که یازده ستاره و ماه و خورشید بر او سجده می‌کنند. تعبیر این رؤیای صادقه، رسیدن یوسف (ع) به مقام نبوت و فرمانروایی بود.

## رؤیاهای صادقه از دلایل وجود بعد روحانی ثابت، تجزیه و تحلیل ناپذیر (درس چهارم)

یوسف، ۳۶

و با او (یوسف) دو جوان وارد زندان شدند	وَ دَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ <sup>۱</sup>
یکی از آن دو گفت:	قَالَ أَحَدُهُمَا
«من (در خواب) خود را دیدم	إِنِّي أَرَانِي
که (انگور را) برای شراب می‌فشارم»	أَعْصِرُ خَمْرًا <sup>۲</sup>
و دیگری گفت:	وَ قَالَ الْآخَرُ
«من خود را (در خواب) دیدم	إِنِّي أَرَانِي
که بر روی سرم نان می‌برم	أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا <sup>۳</sup>
و پرندگان از آن می‌خورند»	تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ <sup>۴</sup>
ما را از تعبیر آن آگاه ساز	تَبَيَّنَّا يَا تَوِيلَهُ
همانا ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.	إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

بسم

- ۱ در این آیه، دو رؤیای صادقه نقل شده است. این دو رؤیا مربوط به زمانی است که حضرت یوسف (ع) در مصر زندانی بود و دو نفر از کارکنان دربار را به زندان فرستادند.
- ۲ یکی از آن‌ها در زندان خواب دید که انگور می‌فشارد و شراب می‌سازد. حضرت یوسف (ع) این خواب را تعبیر کرد و به هم‌زندانی خویش فرمود که تو آزاد می‌شوی و در دربار پادشاه مصر موقعیت خوبی می‌یابی.
- ۳ هم‌زندانی دیگر، خواب دید که طبعی از نان بر سر می‌برد و پرندگان از آن می‌خورند. حضرت یوسف (ع) این خواب را تعبیر کرد و فرمود تو را به دار می‌آویزند (هم‌زندانی محکوم به اعدام).

## رؤیاهای صادقه از دلایل وجود بعد روحانی ثابت، تجزیه و تحلیل ناپذیر (درس چهارم)

یوسف، ۴۳

و پادشاه گفت:	وَ قَالَ الْمَلِكُ <sup>۱</sup>
«همانا من (در خواب) دیدم هفت گاو چاق را	إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ
که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند	يَاكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ
و هفت خوشه‌ی سبز	وَ سَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ
و (هفت خوشه‌ی) دیگر خشکیده را (در خواب دیدم)	وَ أُخْرَى يَابَسَاتٍ <sup>۲</sup>
ای بزرگان قوم! درباره‌ی خواب من، به من نظر دهید	يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ
اگر تعبیر خواب می‌کنید.	إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ <sup>۳</sup>

بسم

- ۱ این رؤیا، رؤیای پادشاه مصر (عزیز مصر) بود.
- ۲ پادشاه مصر در خواب دید که هفت گاو لاغر، هفت گاو چاق را می‌خورند و نیز هفت خوشه‌ی سبزی و هفت خوشه‌ی خشک را در خواب دید.

۲ این خواب را حضرت یوسف (ع) تعبیر کرد و فرمود که یک دوره‌ی هفت‌ساله‌ی آبادانی در پیش است و پس از آن یک دوره‌ی هفت‌ساله‌ی خشکی و قحطی خواهد آمد.

۳۳

بی‌توجهی کافران نسبت به هدفداری نظام آفرینش و آینده‌ی روشن آن (درس پنجم)

الحقاف، ۳

ما حَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ	ما آسمان‌ها و زمین را نیافریدیم
وَمَا بَيَّنَّهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ <sup>۱</sup>	و آن چه میان آن دوست، جز به حق
وَأَجَلٍ مُّسَمًّى <sup>۲</sup>	و سرآمدی مشخص
وَالَّذِينَ كَفَرُوا	و کسانی که کافر شدند
عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ <sup>۳</sup>	از آن چه بیم داده شدند، روی‌گردانند.

بینه

۱ آفرینش این جهان، جز بر پایه‌ی حق نیست؛ یعنی دارای هدف معین است: حکمت‌آمیز بودن نظام خلقت و هدفداری آن.  
 ۲ جهان دارای سرآمد معین و آینده‌ی مشخص و روشن است. حق بودن جهان خلقت، معلول آینده‌ی روشن و هدف معین داشتن آن است.  
 ۳ یکی از اندازهایی که مورد بی‌توجهی و روی‌گردانی کافران قرار می‌گیرد، این است که جهان بر پایه‌ی حق بنا شده و دارای سرآمد معین و آینده‌ی روشن است.  
**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۶- دوم) ما خلقنا السماوات و الارض و ما بينهما الا بالحق: ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی

۳۴

خبر از آفرینش آخرت با توجه به خلقت نخستین و قدرت بی‌پایان الهی (درس پنجم)

عنکبوت، ۲۰

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ <sup>۱</sup>	بگو در زمین بگردید
فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ <sup>۲</sup>	و بنگرید که چگونه خدا آفرینش را آغاز کرد
ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْأُخْرَةَ <sup>۳</sup>	پس خدا آفرینش آخرت را پدید آورد
إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ <sup>۴</sup>	همانا خدا بر هر چیزی تواناست.

بینه

۱ خداوند، انسان‌ها را برای توجه بیش‌تر به معاد به سیر و مطالعه‌ی در زمین و تفکر در آن دعوت کرده است.  
 ۲ این آیه، با اشاره به قدرت خداوند در پدید آوردن موجودات در نخستین مرتبه، به اثبات معاد پرداخته است.  
 ۳ با توجه به سخن از «نشئه‌ی آخرت»، خداوند فقط همین دنیا را نیافریده، بلکه پس از آفرینش نخستین، آخرت را پدید آورده است: عدم انحصار آفرینش خدا بر این جهان.  
 ۴ خداوندی که آفرینش نخستین موجودات را ایجاد کرده، بر آفرینش آخرت نیز تواناست: خبر از آفرینش آخرت با توجه به قدرت بی‌پایان الهی.  
**ارتباط با آیه:** این‌که خداوند فقط همین دنیا را نیافریده، از دقت در آیات «وَأَنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»، «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» و «مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ» نیز برداشت می‌شود.  
**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۶- دوم) عبارت «بَدَأَ الْخَلْقَ» با اشاره به خلقت اولیه‌ی موجودات و عبارت «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» با اشاره به قدرت بی‌پایان الهی، بر امکان معاد جسمانی دلالت دارند.



۳۵

نظام پاداش و جزا: از نتایج برحق بودن خلقت جهان (درس پنجم)

جاییه ۲۲

\_\_\_\_\_ وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۱  
و خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید  
\_\_\_\_\_ وَ لَتَجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۲  
تا هرکس پاداش یا بدداند بداند چه کرده است،  
\_\_\_\_\_ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۳  
و به آن‌ها ظلم نمی‌شود.

بیم

۱ برحق بودن خلقت جهان و هدفداری نظام آفرینش  
۲ یکی از نتایج برحق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می‌شود، این است که هرکس جزای عمل خود را می‌بیند و به کسی ستم نمی‌شود؛ یعنی چون جهان بر اساس حق است (علت)، نظام پاداش و جزا قرار داده شده است (معلول).

۳ برقراری عدالت و عدم ظلم به انسان‌ها در نظام پاداش و جزای الهی، معلول برحق بودن نظام آفرینش است.

ارتباط با درس دیگر:

■ (درس ۶- دوم) خلق الله السماوات و الارض بالحق: ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی - لتجزی کل نفس بما کسبت: ضرورت معاد بر اساس عدل الهی  
■ (درس ۸- دوم) هم لا یظلمون: قضاوت بر معیار حق پس از فسخ صور دوم

۳۶

درآمدن در آتش: نتیجه‌ی زندگی دنیا بدون توجه به آخرت (درس پنجم)

یونس، ۷ و ۸

\_\_\_\_\_ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا  
همانا کسانی که به ملاقات ما امید ندارند  
\_\_\_\_\_ وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
و به زندگی دنیا راضی و خشنودند  
\_\_\_\_\_ وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا  
و بر آن تکیه کردند  
\_\_\_\_\_ وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ۱  
و کسانی که از نشانه‌های ما غافلند (۷)  
\_\_\_\_\_ أُولَٰئِكَ مَاؤَاهُمُ النَّارُ  
آن‌ها جایگاهشان آتش است  
\_\_\_\_\_ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۲  
به خاطر آن‌چه که کسب می‌کردند. (۸)

بیم

۱ این دو آیه، درباره‌ی دیدگاه منکرین معاد است که به زندگی دنیا رضایت داده و به همین دنیای مادی قناعت کرده‌اند و مرگ را پایان زندگی می‌دانند. با توجه به این دو آیه، عوامل دوزخی شدن منکرین معاد عبارت‌اند از: الف) انکار ملاقات پروردگار و معاد، ب) رضایت دادن به دنیای زودگذر و تکیه و اعتماد بر آن، ج) غفلت از آیات و نشانه‌های حکیمانه و غایت‌مند در جهان

۲ د) عملکرد نادرست منکرین معاد. زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد (علت)، نتیجه‌اش درآمدن در آتش می‌باشد. یعنی کسانی که زندگی دنیایی خود را با غفلت از آخرت تنظیم می‌کنند و کاری برای آخرت نمی‌کنند، در آخرت به عذاب جهنم مبتلا خواهند شد: آثار گناه‌آلود دیدگاه اول و رسیدن به سرنوشت زین‌بار در جهان دیگر. عبارت «کنوا یکسبون» فعل ماضی استمراری است و کاربرد آن بیانگر این است که دوزخیان در انجام کارهای نادرست استمرار داشته‌اند. به همین جهت، دوزخ جایگاه تلاش‌گران مستمر برای تحقق اهداف دنیایی است.

## ویژگی‌های زیان‌کارترین مردم و سرنوشت آنان (درس پنجم)

کشف، ۱۰۵ | ۱۰۳

بگو، آیا به شما خبر دهیم که	قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ
زیان‌کارترین (مردم) در کارها چه کسانی هستند؟ (۱۰۳)	بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا <sup>۱</sup>
کسانی که تلاششان گم و تباه شد	الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ
در زندگی دنیا	فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
در حالی که گمان می‌کنند	وَهُمْ يَحْسِبُونَ
بهترین عملکرد را دارند (۱۰۴)	أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا <sup>۲</sup>
آن کسانی هستند که کفر ورزیدند	أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا
به آیات پروردگارشان و دیدار با او	بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ <sup>۳</sup>
و اعمالشان تباه گردید	فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ <sup>۴</sup>
و برای آن‌ها قرار نمی‌دهیم	فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ
در روز قیامت میزان و ارزشی. (۱۰۵)	يَوْمَ الْقِيَامَةِ وُزْنًا <sup>۵</sup>

بسم

- ۱ این آیات، پیرامون زیان‌کارترین مردم است.
- ۲ ویژگی‌های زیان‌کارترین مردم: الف) کوشش آن‌ها در زندگی دنیا به جایی نخواهد رسید: بی اثر شدن سعی و تلاش دنیایی. ب) اینان درباره‌ی خود فکر می‌کنند که بهترین عملکردها را دارند.
- ۳ ج) به آیات خداوند و روز قیامت کافرنند.
- ۴ سرنوشت زیان‌کارترین مردم که معلول این سه ویژگی؛ یعنی بی‌نتیجه بودن تلاش آن‌ها و کفر به آیات خداوند و روز قیامت (دل‌بستگی به دنیا) است: الف) اگر اعمال درستی هم داشته باشند، با توجه به نوع زندگی‌ای که انتخاب کرده‌اند، فایده نخواهد داشت: بی اثر شدن کارها و تباهی اعمال.
- ۵ ب) اعمال چنین کسانی در قیامت وزنی نخواهد داشت و راه‌گشا نخواهد بود: بی‌نصیبی از میزان و ارزش در رستاخیز.

## اختصاص حیات حقیقی برتر به آخرت: تفاوت مهم میان دنیا و آخرت (درس پنجم)

تکویت، ۶۴

زندگی دنیا به تنهایی چیزی نیست	وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
جز سرگرمی و بازی	إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ <sup>۱</sup>
و همانا سرای آخرت	وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ
زندگی راستین است	لَهِيَ الْحَيَوَانُ <sup>۲</sup>
اگر می‌دانستند.	لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ <sup>۳</sup>

بیم

۱ این آیه به تفاوت مهم میان دنیا و آخرت اشاره دارد و در آن، ارزش زندگی دنیا و آخرت بیان شده است و حاکی از آن است که اگر به دنیا به عنوان یک امر مستقل نگاه شود، چیزی جز لُهو و لعب نیست. به همین جهت در دیدگاه پیامبران الهی، دنیا شایسته‌ی دل بستن نیست.

۲ حیات حقیقی برتر، از آن آخرت است.

با توجه به عبارت «الدار الآخرة»، خداوند فقط همین دنیا را نیافریده، بلکه آخرتی نیز هست که زندگی راستین در آن است.

۳ مردم حقیقت آخرت را نمی‌دانند و گرنه به دنیا دل نمی‌بستند. ناآگاهی مردم از حقیقت آخرت، علت دل بستن آن‌ها به دنیای زودگذر است.

**ارتباط با آیه:** این‌که خداوند فقط همین دنیا را نیافریده، از دقت در آیات «ثم الله ينشئ النشأة الآخرة»، «من آمن بالله و اليوم الآخر» و «و من اراد الآخرة» نیز برداشت می‌شود.

۳۹

شروط نداشتن حزن و ترس از عاقبت زندگی خود (درس پنجم)

مقدمه ۶۹

هرکس به خداوند و روز آخرت ایمان آورد	مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ
و کار شایسته انجام دهد،	وَ عَمِلَ صَالِحاً
پس نه ترسی بر آن‌هاست	فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
و نه اندوهگین می‌شوند.	وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ <sup>۲</sup>

بیم

۱ کسانی در این جهان دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی‌شوند که ایمان به خدا، ایمان به آخرت و انجام عمل صالح را با هم دارند. با توجه به عبارت «الיום الآخر»، خداوند فقط همین دنیا را نیافریده است.

۲ دوری از ترس و اندوه، معلول برخورداری از سه شرط ایمان به خدا و ایمان به آخرت و انجام عمل صالح است. طبق این آیه، اولین پیامد نگرش الهی، بیرون آمدن زندگی از بن‌بست و ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی فعالیت و کار در زندگی است.

**ارتباط با آیه:** این‌که خداوند فقط همین دنیا را نیافریده، از دقت در آیات «ثم الله ينشئ النشأة الآخرة»، «و ان الدار الآخرة لهی الحيوان» و «و من اراد الآخرة» نیز برداشت می‌شود.

**ارتباط با درس دیگر:** (درس ۸- پیش‌دانشگاهی) این آیه، بیانگر توحید محوری و مبارزه با شرک و ایمان به معاد از معیارهای جامعه و تمدن اسلامی است و با آیه‌ی «من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون» ارتباط مفهومی دارد.

۴۰

شروط داشتن یک زندگی نتیجه‌بخش و پرثمر (درس پنجم)

اسراء ۱۹

و هرکس خواهان آخرت باشد	وَ مَنْ ارَادَ الْآخِرَةَ
و با نهایت سعی‌اش برای آن بکوشد	وَ سَعَى لَهَا سَعْيَهَا
در حالی‌که مؤمن است	وَ هُوَ مُؤْمِنٌ <sup>۱</sup>
پس آن‌انند که تلاش آن‌ها مقبول خواهد بود.	فَأُولَئِكَ كَانَتْ لَهُمْ مَشْكُوراً <sup>۲</sup>

بیم

۱ شروط داشتن یک زندگی نتیجه‌بخش و پرثمر: الف) خواستار آخرت بودن، ب) به کار بردن تمام سعی و تلاش خود در این راه، ج) ایمان به خدا و آخرت

با توجه به عبارت «الآخرة» خداوند، فقط همین دنیا را نیافریده، بلکه آخرتی نیز وجود دارد.

۲ سعی و تلاشی مورد تقدیر و قبول خداوند قرار می‌گیرد که در راه آخرت باشد. مؤمنانی که با اراده‌ی خود آخرت را انتخاب می‌کنند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، قطعاً به پاداش خداوند دست می‌یابند.  
**مفهوم کلی:** هرکس خواستار آخرت باشد، به خدا و آخرت ایمان داشته باشد و برای رسیدن به آخرت سعی کند (علت)، در آخرت به ثمرات آن می‌رسد (معلول).

**ارتباط با آیه:** این‌که خداوند فقط همین دنیا را نیافریده، از دقت در آیات «ثم الله ينشئ النشأة الآخرة»، «و ان الدار الآخرة لهی الحيوان» و «من آمن بالله و اليوم الآخر» نیز برداشت می‌شود.

۴۱

## دیدگاه منکران معاد نسبت به مرگ (درس پنجم)

مؤمنون، ۳۷ و ۳۸

و در میانشان پیامبری از خودشان فرستادیم	فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ
که خداوند را بپرستید	أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ
برای شما هیچ معبودی غیر از او نیست	مَا لَكُمْ مِنْ آلِهِ عَزِيزَةٌ
پس آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟ (۳۲)	أَفَلَا تَتَّقُونَ <sup>۱</sup>
و گفتند اشراف قومش	وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ
کسانی که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب کردند	الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ
و زندگی دنیا آن‌ها را مرفه ساختیم	وَ أَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا <sup>۲</sup>
این (مرد) جز بشری همانند شما نیست	مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ
از آن چه می‌خورید، می‌خورد	يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ
و از آن چه می‌نوشید، می‌نوشد (۳۳)	وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ <sup>۳</sup>
و اگر از بشری مثل خودتان اطاعت کنید،	وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلُكُمْ
قطعاً در آن صورت زیان‌کارید (۳۴)	إِنَّكُمْ إِذَا لَخَابِرُونَ <sup>۴</sup>
آیا به شما وعده می‌دهد هنگامی که مردید	أَيَعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ
و خاک و استخوان شدید	وَ كُنْتُمْ تُرَابًا وَ عِظَامًا
(باز) شما (رنده می‌شوید و از خاک) بیرون آورده می‌شوید؟ (۳۵)	أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ <sup>۵</sup>
چه دور است، دور است، آن چه وعده داده می‌شوید (۳۶)	هَيِّهَاتَ هَيِّهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ <sup>۶</sup>
جز این زندگی دنیای ما، چیزی نیست	إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا
(عده‌ای) می‌میریم و (عده‌ای) زندگی می‌کنیم	نَمُوتُ وَ نَحْيَا
و ما برانگیخته نخواهیم شد. (۳۷)	وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ <sup>۷</sup>

بینه

۱ خداوند به سوی هر قومی، پیامبری از خود آن‌ها می‌فرستد. هدف از ارسال پیامبران، دعوت به توحید و نفی شرک است. گرایش به توحید، به تقوا نیاز دارد. به همین جهت پس از پرستش خدا، از آن‌ها تقوای الهی خواسته شده است.  
 ۲ ویژگی‌های ملأ یا اشراف: کسانی بودند که: الف) به خداوند کفر می‌ورزیدند (بی‌نصیبان از توحید)، ب) منکر معاد و دیدار خداوند بودند، ج) در دنیا مرفه و از نعمت‌های آن بهره‌مند بودند.  
 ۳ واکنش ملأ یا اشراف در برابر دعوت پیامبر خود: آن‌ها به علت مشابه بودن ویژگی‌های پیامبرشان با سایر انسان‌ها، نبوت او را انکار می‌کردند: منکران نبوت.